

پیش از سوپرکتیو ته

سینوی و فارابی

دکتر مسعود امید

عالمی

سوبژکتیویته در تفکر فلسفی جهان اسلام
جستار دوم

پرسش از سوبژکتیویته سینوی و فارابی

دکتر مسعود امید

سرشناسه	: امید، ممعود، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	: پرسش از سوژه کتیویته سینیوی و فارابی/ ممعود امید.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات شفیمی، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۱ص ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
فروست	: سوژه کتیویته در تفکر فلسفی جهان اسلام؛ جستار دوم.
شابک	: 978-622-98964-3-3
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷۸ - ۱۸۱.
موضوع	: خود (فلسفه) Self (Philosophy)
موضوع	: ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۳۷۰ - ۴۲۸ ق. -- دیدگاه درباره خود (فلسفه)
موضوع	: Avicenna -- Views on self (Philosophy)
موضوع	: فارابی، محمد بن محمد، ۲۲۶۰ - ۳۳۹ ق. -- دیدگاه درباره خود (فلسفه)
موضوع	: Farabi, Muhammad ibn Muhammad -- Views on self (Philosophy)
موضوع	: فلسفه اسلامی Islamic philosophy
رده بندی کنگره	: BBR۵۵
رده بندی دیویی	: ۱/۱۸۹
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۷۳۵۹۳۰
اطلاعات رکورد	: فیبا
کتابشناسی	

پرسش از سوژه کتیویته سینیوی و فارابی

نویسنده: ممعود امید

ناشر: انتشارات شفیمی

لیتوگرافی و چاپ: چاپ اعظم تبریز

تاریخ چاپ و تیراژ: نوبت اول ۱۴۰۰

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

شابک: ۷-۵-۹۸۹۶۴-۶۲۲-۹۷۸-978-622-98964-3-3

حق چاپ و نشر برای انتشارات شفیمی محفوظ است.

انتشارات شفیمی: تهران، میدان انقلاب، خیابان منیری جاوید، ساختمان اردیبهشت،

شماره ۶۵، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۹۴۶۵۴

سوبژکتیویته در تفکر فلسفی جهان اسلام

جستار دوم

پرسش از سوبژکتیویته سینوی و فارابی

دکتر مسعود امید

عضو هیات علمی گروه فلسفه دانشگاه تبریز

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
-------	------

مقدمه	۱۰
-------------	----

فصل اول: سطح و زمینه‌های پرسش

نکاتی در باب مساله سوژ کتیوئه مشایی	۲۹
زمینه‌های طرح پرسش	۳۲

فصل دوم: در باب سوژ کتیوئه

پارادایم آگاهی و ظهور سوژ کتیوئه	۳۸
سوژ کتیوئه، توصیفی از: سوژه و یک نظریه شناخت	۳۹
چیستی سوژ کتیوئه	۴۲
سوژ کتیوئه بنیاد جهان و عالم زندگی ما	۴۳
لزوم طرح مساله سوژ کتیوئه	۴۷
پرسش از سوژ کتیوئه مشایی	۵۰
مساله سوژ کتیوئه و دادن وجه پویا به آگاهی ایستای مشایی	۵۳

فصل سوم: سوژ کتیوئه سینوی؛ یک نگاه اجمالی

منبع خوانش سوژ کتیوئه سینوی	۵۶
روش‌شناسی خوانش سوژ کتیوئه سینوی	۵۶
تصویری کلی از سوژ کتیوئه سینوی	۵۹
تصویری جزئی از سوژ کتیوئه سینوی	۶۰
پرسش دیگر	۶۳

فصل چهارم: سوژ کتیویته سینوی؛ یک نگاه تفصیلی

۶۶	لزوم طرح پرسش‌های فلسفی نو از تاریخ فلسفه جهان اسلام
۷۰	امکان پرسش از سوژ کتیویته سینوی
۷۱	طرح مساله
۷۲	مساله نخست: کل نگری به روایات سینوی و ایده مربوط بدانها
	تاملی در ایده‌های پیشنهادی
۷۳	الف- رجوع به ایده‌های کلاسیک
۷۴	ب- طرح ایده‌های جدید
۷۶	دو جهت انتزاعی و انضمامی فلسفه سینوی
۷۷	در باب روایت‌های نفس سینوی
۷۸	روایت‌های نفس محور و تولد فلسفه‌ای انضمامی در بطن فلسفه انتزاعی ..
۸۰	نتیجه گیری
۸۳	مساله دوم: توصیف سوژ کتیویته سینوی
۸۳	سوژه، سوژ کتیویسم و سوژ کتیویته
۸۵	سوژ کتیویته دکارتی الگویی برای خوانش سوژ کتیویته سینوی
۹۶	اهمیت سوژه از جنبه هستی‌شناسی یا معرفت‌شناسی؟
۹۷	سوژه و تقدم معرفت‌شناسی بر هستی‌شناسی
۹۹	سوژ کتیویته سینوی
۹۹	۱- مساله استقلال خود در فلسفه سینوی
۹۹	زمینه‌های تشکیل یک خود مستقل فلسفی در فلسفه ابن سینا
۱۰۰	اقسام استقلال خود در ابن سینا
۱۰۱	الف- خود استقلالی هستی‌شناختی

ب-خوداستقلالی معرفت شناختی	۱۰۴
۱- خودآگاهی	۱۰۴
۲- گوی معرفت شناختی	۱۱۲
۳- اعتبارات سینوی در باب من خودآگاه	۱۱۳
۴- اعتبارات معرفت شناختی خود سینوی یا نحوه عینیت بخشی به شناخت	۱۱۳
اعتبارات چهارگانه ماهیت	۱۱۵
Error! Bookmark not defined. مسأله ثبوت اعتبارات یا رابطه ذهن و عین	
خوانش سینوی از شاکله های کانتی	۱۲۰
کانت و مسأله رابطه کلیات درجه اول یا مفاهیم تجربی با مصادیق	۱۲۱
نحوه حصول کلی درجه اول یا مفاهیم تجربی	۱۲۳
شاکله سازی و اعتبارات مفاهیم تجربی یا پسینی	۱۲۳
ج-خوداستقلالی روان شناختی	۱۲۵
الف- قوای نفس	۱۲۶
ب- وجود فرآیندهای نفسانی	۱۳۰
۲- مسأله خودبنیادی در فلسفه سینوی	۱۳۰
روایتی در باب سوبژکتیویته سینوی	۱۳۳
خودآگاهی	۱۳۳
الف- تعریف خود	۱۳۴
ب- تشخیص تمایز و ترابط خود از بدن و جهان	۱۳۶
ج- قوای خود	۱۳۷
جهان آگاهی	۱۳۸
رشد دستگاه شناخت	۱۴۰

۱۴۱.....	خداآگاهی
۱۴۲.....	ایمان آگاهی
۱۴۳.....	اخلاق آگاهی
۱۴۶.....	مرگ آگاهی
۱۴۸.....	پرسش از نسبت سوپژکتیویته سینی با جهان معاصر
۱۵۱.....	نتیجه گیری

فصل پنجم: نگاهی به سوپژکتیویته فارابی

۱۵۷.....	روش‌شناسی استخراج و استنباط سوپژکتیویته فارابی
۱۶۰.....	۱- مبدائیت نفس در امر آگاهی
۱۶۱.....	۲- خودآگاهی نفس
۱۶۲.....	۳- طبع نفس و مبدائیت آن و مساله فعال بودنش
۱۶۵.....	۴- خودآگاهی لایشرط نفس
۱۶۸.....	۵- خودآگاهی از خودیگانه
۱۷۱.....	۶- دیگرآگاهی نفس
۱۷۲.....	۷- شهرآگاهی
۱۷۳.....	۸- اخلاق آگاهی در شهر
۱۷۳.....	۹- آرمانشهرآگاهی
۱۷۴.....	۱۰- شهر، خاستگاه ارتقای آگاهی متافیزیکی و خداآگاهی
۱۷۶.....	نتیجه گیری
۱۷۸.....	منابع

مقدمه

۱- تاریخ فلسفه بیش از دو هزار سال است که درگیر شبکه‌ای از موضوعات از قبیل نفس، روح، عقل، عالم صغیر، انسان، ذهن، سوژه، دازاین و... است. به نظر می‌رسد که در ورای این موضوعات با دغدغه یا مساله‌ای بنیادین مواجهیم که می‌توان آن را با عنوان مساله خود، من، اول شخص و... نامید و در ادامه با مسایلی چون درون‌نگری، علم حضوری، خودآگاهی، خوداندیشی، خودشناسی، فردیت، هویت، خودانگیختگی، خودآیینی و... مواجهیم.

مساله خود یا من و... و تعریف و تقویم آن، در عین حال که در افق فلسفه صورت گرفته است، اما گاهی حتی متصف به اوصافی مانند خودیونانی، خود/اروپایی و خودشرقی و... نیز شده است (یا خواهد شد) و شاید بتوان از خود پیشامدرن و خود مدرن و خود پسامدرن نیز سخن گفت. اما نکته مهم و درس آموز آن است که به نظر می‌رسد که مساله خود یک مساله مهم فلسفی با بازتاب‌های فرهنگی و حتی جهانی است. به بیان دیگر می‌توان انعکاس خودشناسی فلسفی را در حوزه‌های اخلاقی، سیاسی، دینی، اقتصادی، هنری، علمی و... پی جویی کرد. تاریخچه جدید خودشناسی فلسفی با عنوان تاریخ سوپرکتیویته نامیده می‌شود. سوپرکتیویته ناظر به ویژگی‌های سوژه یا یک خود است و به عنوان توصیف و تعریف و

نظریه‌ای در باب سوژه به شمار می‌آید. اما این نکته نیز گفتنی است که سوژکتیویته در ادامه حیات و حضور و تحولات‌اش همچون جریانی ظاهر شده است که ره به‌نوسوژکتیویته نیز برده است.

تاریخ سوژکتیویته و نیز برخی از تحقیقات در باب آن، نشان از این دارد که اولاً ما با دو رویه و سطح در بحث از سوژکتیویته مواجهیم: سطح نخست طرح سوژکتیویته در ذیل مساله معرفت و بالاخص رابطه ذهن و عین که متمرکز در مساله رابطه سوژه و ابژه (ذهن و عین) و مساله نسبت سوژه با عینیت است که که مختص معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت است و می‌توان آن را با عنوان سوژکتیویسم لحاظ کرد اما سطح دوم مربوط به طرح سوژکتیویته در ذیل مساله ماهیت سوژه و طرح عناصر و اوصاف کلی سوژه از قبیل خود، اول شخص، خودانگیختگی، خودآیینی و... است که حتی با حوزه‌های گوناگونی مانند اخلاق و زیبایی‌شناسی و دین و... نیز ارتباط می‌یابد و بدان‌ها قابل تعمیم است. (سالمون، ۱۳۹۹: ۱۲) در این حالت می‌توان آن را با عنوان نظریه سوژه یا دیدگاهی در باب سوژه در نظر گرفت. ثانیاً به نظر می‌رسد که می‌توان گفت که تاریخ سوژکتیویته، تاریخ سوژکتیویته‌هاست. (هال، ۱۳۹۶: ۱۸۰) با این وصف ما نه با یک سوژکتیویته یا یک نوع سوژه انگاری، بلکه با سوژکتیویته‌های متعددی از قبیل سوژه انگاری در نزد روسو، دکارت، هیوم، کانت و... مواجه هستیم.

۲- اما مساله سوژه (خود، خودبنیادی، خودآیینی و...) و سوژه‌شناسی فلسفی در ایران را چگونه باید نگرست؟ نخستین جرقه‌های شکل‌گیری خودِ جدید در ایران را می‌توان در عرصه عمل یا حرکت‌های سیاسی یا عالم سیاست ردیابی کرد. جریان‌هایی مانند مشروطه، نهضت ملی‌سازی نفت و انقلاب اسلامی و... را می‌توان نمونه‌هایی از ظهور خود جدید دانست. این نوع خود را می‌توان سوژه سیاسی (یک خود و کنشگر سیاسی) دانست. پس نخستین تجربه ما در عرصه سوژ کتیوئه در سطح سوژه سیاسی رخ داده است. حتی شاید بتوان از ظهور یک خودِ دینی در ضمن جریان‌های دینی اخیر نیز سخن گفت: سوژه دینی (که البته در معنایی خاص، فارغ از بار ایدئولوژیکی نیست). در همین راستا و در طی ظهور وضعیت جدید اقتصادی و نمودار شدن شبح سرمایه داری در دهه‌های اخیر در ایران می‌توان از سوژه اقتصادی (سوژه معامله گر، محاسبه گر، تولیدکننده، بازاریاب، مصرف کننده و...) نیز سخن گفت. آخرین پدیده‌ای که به دنبال بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در فضای سوژگی ایران رخ داده است مربوط به ظهور سوژه صنفی است.

حال اگر نکات فوق درست باشند مبنی بر اینکه ما به تدریج با ظهور سوژه یا حداقل با انواع تجربیات سوژگی مواجهیم، به یقین می‌توان گفت که این تجربیات سوژگی و این سوژه‌های عملی بدون داشتن پشتوانه‌ای فلسفی، اموری پا در هوا خواهند بود. به بیان دیگر

ما در کنار تمرین‌هایی در انواع سوژگی، نیازمند ورود به عرصه نظری در باب سوژه‌شناسی فلسفی هستیم. طرح مبنا و ارائه بنیاد فلسفی برای سوژه می‌تواند بر نظم و قاعده‌مندی و روشمندی و... آن در امر سوژگی بیفزاید.

نتیجه نکات فوق آن است که ما در دیروز فلسفی‌مان درگیر محورهای فلسفی از قبیل نفس و روح و عقل بوده ایم و از آن طریق در تفکر فلسفی دیروز و جهان کلاسیک حضور داشتیم و در امروز فلسفی‌مان باید درگیر محورهایی نو مانند خود و من و سوژه فلسفی‌مان باشیم تا بتوانیم در تفکر فلسفی جدید و جهان جدید حضور داشته باشیم. امروز خود فلسفی ما در معرض تضعیف و تهدید است و این خود نمی‌تواند چندان در عرصه نظر و عمل مدرن عرض اندام کند. امروز بیش و پیش از هر موضوع و مساله فلسفی، برای درک وضعیت متفرد خود و موقعیت‌مان در جهان مدرن، نیازمند طرح پرسش از خود و تحقیق در خودشناسی جدید در زمانه‌مان هستیم. به بیان فلسفی، ما نیازمند توصیف و تعریف و تعیین سوژکتیویته خودمان هستیم. فرهنگی که نمی‌خواهد صرفاً ناظر و مصرف‌کننده تفکر فلسفی جدید و جهان جدید باشد بلکه بازیگر و تغذیه‌کننده آن نیز باشد، نیازمند درگیر شدن با چنین مساله بنیادی است.

اما نخستین گام‌های فلسفی در تعریف و توصیف سوژکتیویته مربوط به تفکر فلسفی معاصر ایران را می‌توان در معرفت‌شناسی حلقه محمدحسین طباطبائی و در کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* و آثار هم راستای پس از آن در نزد شاگردان ایشان (مطهری، جوادی آملی و...) جست. محققان دیگری نیز پس از آن وارد این عرصه شده‌اند مانند حائری یزدی با *علم حضوری و کاوش‌های عقل عملی*. امروزه در ایران معاصر فلسفی اندیشان دیگری نیز به جد درگیر تعریف و توصیف سوژکتیویته از خلال معرفت‌شناسی یا فلسفه خاص خودشان هستند. در این میان می‌توان به علی عابدی شاهرودی با آثاری از قبیل: *نقد قوه شناخت و قانون اخلاق و منطق اکتشاف انتقادی و سنجش و اکتشاف اشاره داشت*. مباحث و تلاش‌های فلسفی معاصر ایران نشان از این دارد که بخشی از جریان فلسفی که ریشه در سنت فلسفی دارد معطوف به درک سوژکتیویته است؛ البته درک دقیق و عمیق این امر از خلال درک و درگیری و گفتگو با مساله شناخت در فلسفه جدید و با معرفت‌شناسی معاصر امکان‌پذیر است. اما تلاش‌های معاصران محدود به مواجهه با سوژکتیویته از خلال معرفت‌شناسی فلسفه کلاسیک اسلامی و منحصر بدان نبوده است بلکه برخی از اندیشمندان و محققان معاصر ایرانی خارج از این چارچوب و با استفاده از منظرها و منابع دیگری نیز وارد چنین عرصه‌ای شده‌اند مانند محمد تقی جعفری (در انسان‌شناسی و

معرفت‌شناسی خاص خود)، عبدالکریم سروش (با علم‌شناسی و دین‌شناسی فلسفی اش)، مصطفی ملکیان (با پروژه عقلانیت و معنویت) و....

اما تحقیق و تامل در سوژکتیویته تفکر فلسفی جهان اسلام معطوف به چیست؟ مربوط به تحقیق در سیر آگاهی و اندیشه در یک خود و جنبه‌های آن یا خودِ بسط یافته در آگاهی یا یک خودآگاهیِ بسط یافته یا گسترش یابنده است. به بیان دیگر تحقیق و تفحص در جریان تعریف و توصیف حقایق از قبیل خود، خودآگاهی، خوداندیشی، دیگرآگاهی در تاریخ فلسفه جهان اسلام از گذشته تا حال است.

۳- شبکه اصلی مفهومی در تفکر فلسفی جهان اسلام که می‌تواند دارای نسبتی در حد تناظر و حتی بیش از آن در سطح شباهت خانوادگی با مفاهیم مربوط به سوژکتیویته باشد، در وهله نخست مفاهیمی از قبیل عاقل، عالم، مدرک و خودآگاهی و... است. این شبکه مفهومی می‌تواند در تقرب با جریان فلسفی سوژکتیویته قرار گیرد و با آن هم خانواده گردد و از این رو امکان آغاز گفتگو را فراهم آورد. به بیان دیگر تفکر فلسفی جهان اسلام می‌تواند از این طریق در پارادایم فلسفی سوژکتیویته وارد شود و در آن مشارکت کند. اما در وهله دوم، دیگر مفاهیم کلیدی فلسفه کلاسیک جهان اسلام، فاعل و فاعلیت است.

حال این دو دسته از مفاهیم در تفکر فلسفی جهان اسلام، از سویی بر سر سفره الهیات می‌نشینند و در مبحث الهیات گرد هم می‌آیند و بر این اساس است که مبدا (واجب الوجود) به عنوان فاعلِ عالم لحاظ می‌شود و آنگاه نوع فاعلیت آن مورد بحث قرار می‌گیرد مثلاً در قالب فاعل بالعنایه، بالرضا، بالقصد، بالصدور و الفیضان، بالتجلی، بالحرکه، بالوجود، فاعل مبدع و... و از سوی دیگر مساله فاعلیت هم به معنای الهیاتی‌اش و هم به معانی خاص دیگر یعنی در انسان‌شناسی و در نسبت انسان با عمل‌اش مورد توجه و تأمل قرار می‌گیرد مانند فاعل بالطبع، بالقسر، بالجبر، بالاختیار، بالاضطرار، بالتسخیر، فاعل مرکب، بسیط و... (سجادی، ج ۳، ۱۳۶۲: ۴۲۴-۴۱۹) اما مساله مهم آن است که محتوای مباحث فلاسفه مسلمان نشان از امکان کاربرد فاعلیت و پیوند آن با عالمیت و مُدرکیت در حوزه انسان‌شناسی را دارد. و همین نکته است که می‌تواند حلقه پیوند و زمینه گفتگو را میان تاریخ تفکر فلسفی جهان اسلام و تاریخ سوبژکتیویته فراهم آورد.

به بیان دیگر یکی از مهم‌ترین مباحث در تفکر فلسفی جهان اسلام اقسام فاعلیت از جهات مختلف است. مثلاً در بحث الهیات و نوع فاعلیت الهی با نظراتی از قبیل فاعل بالعنایه (مشایی)، فاعل بالرضا (اشراقی)، فاعل بالایجاد (صدرایی) و فاعل بالتجلی (در عرفان ابن عربی) مواجهیم. چنانچه گذشت این بحث و پرسش می‌تواند در باب

عالمیت و مُدرِکیت انسانی نیز مطرح شود؛ همانگونه که مثلاً صدرا در امر پیدایش صُور ادراکی انسانی آن را از نوع علیت ایجاد می‌داند. به همین سیاق می‌توان فاعلیت انسان را مثلاً در نظر سهروردی فاعلیت بالاشراق و الاضافه دانست و در نزد مشاء فاعلیت بالانطباع یا در نزد طباطبایی فاعل بالاعتبار و... نیز در همین فلسفه و در حوزه عمل انسانی با فاعلیت‌های متعددی مواجهیم از قبیل: فاعل بالجبر، بالاضطرار، بالاختیار، بالقسر، بالطبع، بالتبع (حرکت مسافر کشتی به تبع حرکت کشتی) و...

البته به نظر می‌رسد که در تفکر فلسفی جهان اسلام در بحث از فاعلیت انسانی، گاهی نوعی گسست میان دو نوع فاعلیت (فاعل نظر و فاعل عمل) به چشم می‌خورد. اما فاعل آگاهی می‌تواند با بسط خود به سوی مبادی عمل، عیناً فاعل و مقوم مبادی عمل نیز باشد. همانگونه که در تقسیم عقل به دو وجه نظری و عملی، عقل به یک معنی لحاظ می‌شود با دو متعلق: اشیا و اعمال. به همین سیاق فاعل آگاهی، هم به مبادی اشیا و هم به مبادی اعمال می‌پردازد و آنها را به عنوان عین (اعیان) خود قرار می‌دهد.

حال سوال این است که آیا می‌توان در بستر آگاهی و با ملاحظه اقسام فاعلیت‌های فوق، ایده یا نظری دقیق و تفصیلی در باب یک فاعلیت واحد نظری و عملی در باب انسان یا یک خود آگاهی فعال بسط یابنده در باب حقایق نظری و عملی را مطرح ساخت؟ آیا

می‌توان فاعلی را ترسیم کرد که می‌تواند بنیاد اعیان نظری (علوم) و عملی (اخلاق و سیاست و...) را تعریف کند و تقویم بخشد؟

۴- عزم این قلم آن است تا به تدریج به گفتگو با تاریخ تفکر فلسفی در جهان اسلام در افق سوژ کتیوئه پردازد و تا حد امکان ظرفیت‌ها و زمینه‌های سوژ کتیوئه خاص آن را دریابد و در معرض دید محققان قرار دهد. به نظر می‌رسد که در تاریخ فلسفه شرق و غرب، برخی از فلسفه‌ها یا بخشی از فلسفه‌ها متضمن تعریف و توصیفی از سوژه ویژه خود هستند. در این میان فلسفه‌های جهان اسلام نیز از این قاعده بیرون نیستند.

گفتنی است که این شیوه رجوع به تاریخ فلسفه نوعی مواجهه فعال و جهت دار و مساله محور با آن است برای قرار دادن یک تاریخ فلسفه در افق اندیشه و زبان فلسفی جهان جدید. باید افزود که پیش تر، نخستین جستار از این تلاش در باب سوژ کتیوئه تفکر فلسفی ایران معاصر با تمرکز بر معرفت‌شناسی حلقه محمد حسین طباطبایی (به روایت مرتضی مطهری) به چاپ رسیده است. (امید، مسعود، سوژ کتیوئه در تفکر فلسفی جهان اسلام، جستار نخست: معرفت‌شناسی مطهری و رد پای یک سوژه مضمونی در آن، تهران، شفیع، ۱۳۹۹). حال، اثر پیش رو نیز به عنوان دومین تلاش از این سری به شمار می‌آید و امید است تا به تدریج در آینده جستارهای دیگری نیز در همین راستا در پی آیند.

۵- مساله دیگر امکان سود بردن از مدل و الگوهای برای استخراج و استنباط یا تاویل هر چه بهتر سوژکتیویته فیلسوفان مورد نظر است. گاهی نوع مباحث و منابع فیلسوف در تناسب کلی با سوژکتیویته فیلسوفی مدرن است و می‌توان از آن برای چنین کاری سود جست مثلاً می‌توان از الگوی دکارتی در باب ابن سینا یا از الگوی روسویی در باب ابن باجه یا از الگوی هگلی در باب اقبال لاهوری و... سود برد و از آنها در این امر الهام گرفت. گاهی خود اهل فلسفه آگاهانه از فیلسوفان جدید در طرح و بحث و شیوه و سیاق مباحث خود به نحوی متناظر یا الهام گیرانه، سود جست‌اند مثلاً الهام‌گیری معرفت‌شناسی حلقه طباطبایی از دکارت یا تناظرگزینی معرفت‌شناسی حایری یزدی و عابدی شاهرودی از کانت از این قبیل است. توجه به این الگوهای جدید فلسفی در غرب می‌تواند کار ما را در استخراج و توصیف سوژکتیویته فیلسوفان معاصر مسلمان تسهیل کنند. اما در مواردی که چنین تناظر و توجهی به نحو آشکار میان دو معرفت‌شناسی یا دو فلسفه وجود ندارد نیز می‌توان الگوهای متناسب و متناظر را در نظر گرفت و به تحقیق پرداخت. به بیان دیگر رویکرد این تحقیق به مدل‌های فلسفی غرب، تسهیل‌گرایانه است. براین اساس در اینجا نظر بر این است که با لحاظ اصل تناسب و تناظر میان فلسفه‌ها، در باب ابن سینا و فارابی، بر حسب الگوی دکارتی پیش رویم. البته گفتنی است که در حین استخراج سوژکتیویته دو

فیلسوف مسلمان، به وجوه تمایز آن از الگوی دکارتی توجه خواهیم داشت و به آن اشاراتی خواهیم داشت.

۶- این اثر مربوط به پرسش در باب سوژکتیویته تفکر فلسفی جهان اسلام در حوزه مشایی است؛ یعنی تحقیق در سوژکتیویته ابن سینا و فارابی. معنای اصطلاحی از قبیل سوژکتیویته سینی و فارابی عبارت از توصیف سوژه یا ویژگی‌های سوژه در نزد این دو فیلسوف است. سوژه کانون آگاهی و خودآگاهی و خودبنیادی است. در عین حال که در تفکر مشایی، آگاهی از ویژگی ایستایی و نیز از ابهامی با عنوان گسستگی (ابهام ناظر به مساله گسستگی در رابطه میان نظر و عمل) برخوردار است، اما برخی از آثار مشایی از قبیل *فصول منتزعه* فارابی و *رسائل مستقل* ابن سینا، زمینه ساز نوعی صیوریت و پیوستگی در آگاهی‌اند. بدین معنی که می‌توان با خوانش آن آثار ویژه در پرتو مدل‌های سوژکتیویستی (مانند مدل دکارتی)، مراحل را برای آگاهی مندرج در آنها نیز در نظر گرفت؛ مانند نقطه آغاز و مراحل میانی و پایانی، و به علاوه، آن مراحل را پیوسته لحاظ کرد. مثلاً در منابع و مواردی، خودآگاهی و آگاهی مورد نظر سینی در روایات مربوط به نفس امری ایستاست، یعنی امری معطوف به خود و نه جز خود است مثلاً در انسان معلق در فضا. اما از سوی دیگر در منابعی دیگر این خودآگاهی و آگاهی، پویاست مثلاً در حی بن یقظان یا سلامان و ابسال. به نظر می‌رسد که می‌توان در مجموع با

توجه به روایات نفس در نزد ابن سینا، به یک جمع بندی و روایتی از آگاهی پویا و پیوسته دست یافت.

۷- پرسش از سوژ کتیوئه اساسا و در وهله نخست، معطوف به سیر آگاهی و خود آگاهی فلسفی و متعارف یا طبیعی است تا ماورای طبیعی. به بیان دیگر اساسا و در مرحله نخست، معطوف به وضعیت متعارف و طبیعی سوژه در این دنیا و زندگی موجود است. سوژ کتیوئه اساسا معطوف به سرمایه های دم دستی و موجود و در دسترس سوژه و برآمده از آن است. خاستگاه سوژ کتیوئه خود سوژه است و نه ماورای سوژه و حتی اگر به ماورای سوژه نیز ره سپارد باز از طریق سوژگی اش است! با این وصف سوژ کتیوئه با لحاظ ماهیت و استاندارد هایش، به طور کلی منافاتی با وجود چشم اندازهای مابعدالطبیعی و/ یا ماورای طبیعی در سوژه ندارد؛ همانطور که کم و بیش در سوژ کتیوئه های روسو و دکارت و فارابی و ابن سینا و کانت و... به چشم می خورد.

۸- سوژ کتیوئه می تواند زبان و افق مشترکی برای گفتگو با جهان جدید باشد. البته مواجهه فلسفی ما با جریان سوژ کتیوئه و مدرنیته از نوع ترکیبی است و نه بسیط. ترکیبی است به معنای مواجهه با مجموعه ای از عناصر از قبیل: مشارکت و تمکین در جریان سوژ کتیوئه از سویی، با مقاومت و خلاقیت از سوی دیگر است. ما نه بر حسب "آری یا نه" یا نه بر اساس "این یا آن" بلکه باید با تکیه

بر قاعده "آری و نه" به مواجهه با تفکر فلسفی جدید به معنای عام و تفکر فلسفی از نوع سوژ کتیویته به معنای خاص روی بیاوریم. اما مولفه‌ای با عنوان نه و این عنصر نفی، چیزی است که حتما باید پس از آری واقعی و مثبت نگری و مشارکت و تمرین و تمرکز در سوژ کتیویته صورت تحقق به خود گیرد.

۹- همانگونه که از جستار و مجلد نخست و نیز این اثر (به عنوان جستار و جلد دوم) در باب سوژ کتیویته تفکر فلسفی جهان اسلام پیداست این تحقیقات در حکم تلاش‌های آغازین و زمینه ساز و بستر آفرین و ایده بخش برای یک تحقیق مبسوط و عمیق به شمار می‌آیند. اگر این متون بتوانند اهمیت و جدیت این پرسش را در اذهان فلسفی معاصر و فلسفی اندیشان این دیار نفوذ و رسوخ دهند بسی ارزشمندتر از استقبال و اقبال به پاسخ‌هایی است که توسط این متون برای پرسش مذکور تدارک دیده شده اند. به بیان دیگر طرح و جدی انگاری و نهادینه کردن پرسش از سوژ کتیویته در تفکر فلسفی جهان اسلام از گذشته تا حال، به یقین بیش از پاسخ‌های ممکن است که از سوی محققان در نسبت به این پرسش مطرح می‌شود.

۱۰- علت تقدم سوژ کتیویته سینی بر فارابی آن است که نویسنده، تمرین بیان و تقریر سوژ کتیویته فیلسوفان مسلمان کلاسیک را از ابن سینا آغاز کرده است. البته این تقدم نیز امری گزافی نبوده است و بلکه ریشه در وجود زمینه‌های مساعد فلسفی (مانند ترانسان

معلق در فضا و...) در نزد ابن سینا داشته است؛ به گونه‌ای که به همین دلیل، تقریر و تنظیم سوبرکتیویته سینیوی را برای این قلم، سهل تر ساخته است. بنابراین تقریر و تالیف سوبرکتیویته سینیوی مقدم قرار گرفته است و آنگاه در سایه آن امکان پرسش از سوبرکتیویته فارابی مطرح و سپس بدان پرداخته شده است. در نهایت، گفتنی است که تقریر و تنظیم سوبرکتیویته هر دو فیلسوف، کم و بیش، تحت تاثیر مدل و الگوی دکارتی صورت گرفته است، اما با لحاظ امکان تمایز سوبرکتیویته هر دو فیلسوف مشایی از مدل دکارتی و نیز حتی با توجه به امکان و لحاظ تمایز میان سوبرکتیویته سینیوی با سوبرکتیویته فارابی!

۱۱- گفتنی است که نظر این قلم آن است تا پروژه "پرسش از سوبرکتیویته در تفکر فلسفی جهان اسلام" را، به ویژه در تفکر فلسفی دوره معاصر، ادامه دهد. با این وصف امید آن دارد تا این اثر به عنوان استارت و در حکم آغازی انگاشته گردد تا در سایه مطالعات و تاملات فزون‌تر، جستارهای بعدی به تدریج، به نحو دقیق‌تر و عمیق‌تر و موثرتری منتشر گردد.

۱۲- اما در نهایت گفتنی است که طرح کلی تر و پروژه جامع تر این قلم عبارت از تامل در تاریخ سوبرکتیویته در غرب و شرق است. اما در تکمیل آن به دنبال تامل در بنیادها و وجوه عملی چنین طرحی نیز می‌باشد؛ بنیادهای نظری آن از قبیل: هرمنوتیک

سوبژکتیویته و وجوه عملی آن از قبیل: پایدیا / پداگوژی
سوبژکتیویته. و البته این قلم به سوبژکتیویته خاصی توجه دارد و به
سوژه خاصی می‌اندیشد و بدان تعلق خاطر دارد یعنی: سوژه زندگی.